

تکارش : آقای م . اورنگ

دنباله گفتار پیش

نگاهی به ترجمه های اوستا

« سوشیانتها »

پیش از گفت و گو درباره واژه زیبای سوشیانت که راهنمای خدمت بمردم جهان و کوشش برای آسایش دیگران میباشد، خوبست دولغزش چایی را که در گفتار پیش روی داده و معنی واژه ها را ناجور ساخته است یاد آور شوم و آنها را بنمایانم .

در رسته (۱۲) (= سطر ۱۲) از رویه (۴۴۳) مجله ، بجای «براندازنده جنگ» ، واژه های «برازنده جنگ» و در پایان رسته (۶) رویه (۴۴۴) ، بجای (آنها) ، واژه (آنجا) چاپ شده .

از اینها گذشته ، برخی قراضا که باید از هم جدا شود ، با هم آمیخته و از رسائی گفتار کاسته است .

امید است اینگونه لغزشها در آینده روی ندهد .

پس از این یاد آوری کوتاه ، اینک بر میگرددیم بر سرواژه سوشیانت که پاژنامه (لقب) مردمان برجسته و سودمند میباشد .

واژه ئی که به سوشیانت بر گردانده شده سوشیانس نیز گفته میشود ، در اوستا به پیکر سوشینته Saoshyanta آمده . این واژه در فرهنگ اوستا بمعنی سودبخش یا سود رسان است .

در گزارشهای پهلوی به سودمند بر گردانده شده . از ریشه (سو) بمعنی سود ، یاسودمند بودن و سود رساندن است .

با آنچه گفته شد، واژه سوشیانت یاسوشیانس، برابر فرهنگ اوستا و آنجوریکه از گفته‌های خود برمی‌آید، نمودار آنچنان کسان پاك و نیکو کار است که از شایستگی خود بمردم جهان سود میرسانند و مایه آسایش دیگران میشوند .

این واژه بهترین یا بهترین فروزه (صفت) است برای نام آوران جهان که با اندیشه پاك و منش بلند، در راه خوشبختی آدمیان و دیگر جانداران سودمند گام بر میدارند و نام نیک جاودانی از خود بجا میگذارند .

این واژه در اوستا گاهی تک (مفرد) و گاهی به پیکر بیشترین یعنی بصورت جمع آمده .

هنگامی که می‌خواهد يك آدم بسیار بزرگ و برجسته و پیروزانشان بدهد، آنرا با فروزه سوشیانت پیروز گر یاد میکند .

سوشیانت پیروز گر نمودار کسی است که در زندگی با نیروی آتشین پیش میرود و کارهای بسیار برجسته سودمند انجام میدهد و آوازه بلندش بهم جا میرسد . پادشاهان بزرگ و دلاوران نامی که در راه آبادی کشور رستاخیز کرده و خدمتهای شایانی انجام داده‌اند، از سوشیانت‌های پیروز گر بشمار میروند. دانشمندان و هنرمندان نامی که با پدید آورده‌های سودمند، با آسایش مردم جهان کمک کرده‌اند، از سوشیانت‌های پیروز گر میباشند .

سخن کوتاه اینکه سوشیانت بمعنی سودمند یا سودبخش و سود رسان است و سوشیانت پیروز گر، نمودار مردمان برجسته‌ایست که از راه خدمت بجهانیان، پایه بس بلند دارند -

افسوس که این واژه زیبا، مانند بسیاری از واژه‌های دیگر اوستا، در ترجمه‌ها و گزارشهای پهلوی، بابرخی پندارهای نادرست و خردناپذیر آمیخته شده و معنی درست خود را از دست داده است

چون این واژه در نوشته‌های پیشین بنام پیام آوران آینده آئین زرتشت،

داستان شگفت آوری پیدا کرده و برخی گفتارهای افسانه مانند بآن بسته شده و مایه سرگردانی گروهی از پژوهندگان شده است ، از این رو بناچار باید چکیده اینگونه پندارها را بنویسم و پس از داوری کردن در باره آنها ، از نوبه بررسی در واژه سوشیانت بپردازم .

درنامه های پهلوی از پیدایش سه پیام آور ایرانی که هر سه را از تخمه و نژاد زرتشت پنداشته اند خبر میدهد و چگونگی پیدایش آنها را بدینسان یاد میکند :

« تخمه زرتشت در دریاچه هامون نگاهداری شده است . در پایان سال هزارم پس از زرتشت ، دوشیزه ئی از خاندان بهروز در آن دریاچه آب تنی میکند و از آن تخمه آبستن میشود .

از این دخترپسری بنام هوشیدر پیدا میشود و درسی سالگی بیایه پیام آوری میرسد . از نشانی های آمدن هوشیدر این است که آفتاب ده شبانه روز در آسمان میایستد و به هفت کشور روی زمین فروغ می بخشد .

هزارسال پس از هوشیدر باز هم دوشیزه ئی از خاندان بهروز در دریاچه هامون آب تنی میکند و از آن تخمه بارور میشود . از این دخترپسری بنام هوشیدر ماه پای بجهان میگذارد و درسی سالگی بیایه پیامبری میرسد .

از نشانه های آمدن هوشیدر ماه این است که آفتاب بیست شبانه روز در آسمان میایستد و از جای خود تکان نمیخورد . در روزگار هوشیدر ماه ، اژی دهاک از کوه دماوند زنجیر بگسلد و باردیگر بیدادگری آغاز کند .

بفرمان اهورا مزدا یل نامور گرشاسب نریمان از دشت زابلستان بیای خیزد و آن ناپاک را نابود سازد .

در آغاز هزاره سوم پس از زرتشت ، دوشیزه سومی از همان خاندان در همان دریاچه تن بشوید و آبستن گردد .

از این دختر سوشیانت پدید میآید و در سی سالگی به راهنمایی مردم بر-
گزیده میشود. در روز گار سوشیانت برخی از دلاوران بزرگ ایران باستان، مانند
کیخسرو، گیو، گودرز، توس، پشوتن، گرشاسب نریمان و چند تن دیگر زنده
میشوند و او را یاری میکنند.

من این گفته ها را که از نوشته های پهلوی یاد کردم، نمی پذیرم و آنها را
با نوشته های اوستا سازگار نمی بینم. چنین پیداست این پندارها از دینهای دیگر
که پیروان آنها چشم براه آمدن راهنمایان دین هستند سر چشمه گرفته و بنام
پیشگوئی های آئین مزده یسنی در کتابهای پهلوی راه یافته است.

رای من در باره نادرست بودن این پیشگوئی ها و ناسازگار بودن آنها با گفته
های اوستا از چند بن راه است بدینگونه نخست اینکه هیچکدام از این گفته ها و
نوشته ها با سنجش خرد و دانش جور نمیآید و در خور پذیرفتن و باور کردن نمیشود.
دوم اینکه هر گاه سرتاسر اوستا را بررسی کنیم، کوچکترین نشانی از آمدن
پیام آوران آینده آئین مزده یسنی بدست نمیآوریم بلکه می بینیم در اوستا از
رسائی و جاودانی بودن آئین زرتشت سخن میراند و آنرا با پایه استواری که دارد
برای همیشه و هر دوره وزمانی بسنده میداند.

سوم اینکه واژه سوشیانت کوچکترین همبستگی با آمدن پیاموران و آئین
گذاران ندارد و چنین چیزهایی را نمیرساند. زنده شدن دلاوران ایران باستان را
مانند کیخسرو، گیو، گودرز، گرشاسب نریمان و جز آنها میتوان چنین معنی کرد
که در هر دوره وزمانی، دلاوران بزرگی مانند یلان روز گاران گذشته در ایران پدید
میآیند و بیدادگرانی را که نمودار اثری دهاک باشند نابود میکنند و خاک میهن را
از گزندشان پاک میسازند.

این معنی با سنجش خرد نیز درست در میآید و نشانه پیدایش دلاوران میهن-
پرست و جانباز در ایران زمین میباشد ولی بخشهای دیگری که در نامه های پهلوی

یاد شده با هیچ سنجشی جور نمی آید .

در اینجا خوبست بنیاد رأی و اندیشه نویسندگان را در باره سه پیاموری که بنام هوشیدر و هوشیدر ماه و سوشیانت یاد کرده اند بنمایانم و لغزش آنانرا در این باره نشان بدهم .

درفروردین یشت که یکی از بخشهای دراز اوستا میباشد از بند (۸۷) تا (۱۲۹) نام نزدیک به ۲۳۲ تن از مردان پاك وپارسا را یاد میکند و به روانشان درود میفرستد نام این نيك مردان از کیومرس آغاز میشود و در (بند ۱۲۸) به : *Astvat ereta* پایان مییابد .

این واپسین مرد پاك وپارسا را در بند (۱۲۹) با فروزه پیروزمند یاد میکند . چنین پیداست این مرد نیکوکار، در راه خدمت بمیهن و مردم گامهای بلند برداشته و در کار خود پیروز بوده است .

هر کدام از این پاك مردان ، در بخشهای فروردین یشت نام ویژه ئی دارند . این نامها در زبان پهلوی به پیکر دیگری در آمده است . از آنهاست نامهایی که در (بند ۱۲۸) نوشته شده است .

در این بند از هشت تن یاد میکند و آنها را بنیکی می ستاید . نامهای اوستائی این هشت تن با آنچه که در نامه های پهلوی نوشته شده کمی توفیر دارد . نامهایی که در نوشته های پهلوی و ترجمه ها و گزارشهای پارسی اوستا یاد شده ، معنی نامهای اوستائی است .

در اینجا تنها از سه نام سخن میداریم که در ترجمه های اوستا بنام هوشیدر ، هوشیدر ماه، سوشیانت ، یاد شده اند . این نامها در اوستا بدینسان هستند : اوخشیت- ارته *Ukhshyat ereta* ، اوخشیت نمه *Ukhshyat nema* ، استوت ارته *Astvat ereta* . چنانکه گفتیم ، نام سومین ، با فروزه سوشیانت پیروزگر یاد شده است .

بنا بر آنچه گفته شد نوشته های پهلوی درباره سه تن پیام آورانی که برای روزگاران پس از زرتشت پیش بینی کرده اند ، از اینجا سرچشمه گرفته یعنی از میان بیش از ۲۳۰ نام که در فروردین یشت آمده ، سه نام از آنها را جدا کرده و سه پیام آور آینده دین زرتشت پنداشته اند .

ولی خود فروردین یشت چنین چیزی را نمی‌رساند و همانجوریکه گفته شد از پاك مردانی که شمار آنان نزدیک به ۲۳۰ تن میشود یا میکند و به روانشان درود می‌فرستد . این سه تن هم از همان نیکمردان روزگاران گذشته است و هیچگونه همبستگی با پیاموران آینده دین زرتشت ندارد .

من با رای و پندار اینگونه نویسندگان و پیروان آنان کار ندارم . تنها میخواهم بگویم اینگونه رای ها با گفته های اوستا هیچگونه همبستگی و سازش ندارد و با معنی واژه سوشیانت جور نمیآید .

باید این دوراه را از هم جدا کرد و با هم نیامیخت . یعنی باید نوشته های پهلوی را در باره آمدن پیام آوران دینی ، به پیروان آنان واگذار کرد و در باره گفته های اوستا از روی فرهنگ اوستا و با سنجش خرد و دانش داوری نمود . فرهنگ اوستا واژه سوشیانت را بمعنی سود بخش و سودرسان میداند و نمودار کسان نیکو کاری میخواند که بمردم سود میرسانند . اینگونه سوشانتها در هر دوره و زمانی بوده اند . اکنون نیز هستند و در روزگاران آینده هم خواهند بود .

زرتشت در اوستا بارها خود را بنام سوشیانت خوانده و راهنمایان دین را نیز با این فروزه یاد کرده است .

دریسن ، هات (۹) (فصل ۹) بند (۲) ، از سوشیانت های پیش از زرتشت یاد میکند که شیره گیاه هوم را بدست آورده و سودمند بودن آنرا از راه پزشکی با گاهی مردم رسانده اند . این سوشیانتها را در تیکه های دیگر هات (۹) یسنا از بند (۳) تا

بند (۱۳) يك يك نام میبرد و آنها را می شناساند .

این سوشانتها که به سودمند بودن فشرده گیاه هوم پی برده و آنها را بدست آورده اند بدینسان بوده اند . ۱ - ویونگهان پدر جمشید . ۲ - آبتین پدر فریدون . ۳ - تریتا پدر گرشاسب نریمان . ۴ - پوروشب پدر زرتشت .

در هات (۴۸) تیکه (۱۲) ، از سوشانت های کشورهای یاد میکنند که از آئین ایزدی پیروی میکنند و ریشه بدی و تباهی را میاندازند . نیک پیداست سوشانت های کشورها ، پادشاهان خوب هستند که اهریمنان زیانکار را از میان میبرند و کشور را آباد میسازند .

گرچه دامنه گفت و گو در باره سوشانت بسیار پهناور است و بیش از این باید در باره آن موشکافی شود ولی چون معنی آن خوب روشن است ، از این رو گفتار را به پایان میرسانیم و از خدا میخواهیم که همه ماها از فروزه سوشانت بهره مند شویم و هر کدام بنوبه خود برای خدمت در راه میهن و مردم ، سوشانت پیروزمند گردیم و از خود بدیگران سود برسانیم .

باید بکشیم نمودار هوشیدر و هوشیدرماه و سوشانت پیروزگر و دیگر نیکو کارانی باشیم که نامشان در اوستا آمده و به روان پاکشان درود فرستاده شده است . ایدون باد

از قعر گل سیاه تا اوج زحل
کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل
هر بند گشاده شد مگر بند اجل
(حکیم ابوعلی سینا)